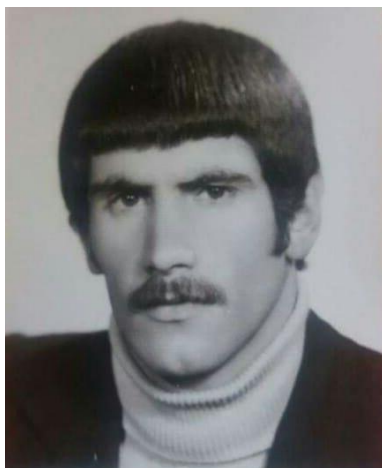


## درباره زندگی رفیق شهید، عباس کرمی



چریک فدایی خلق رفیق عباس کرمی در جریان کشتار زندانیان سیاسی در دهه خونین ۶۰، در تاریخ ۳۰ آذر سال ۱۳۶۱ در زندان دیزل آباد کرمانشاه توسط رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی تیرباران شد. دزخیمان جمهوری اسلامی در شرایطی به قلب سرخ این رفیق که با مبارزه برای تحقق منافع و آرمان های کارگران و ستمدیدگان می تپید، شلیک کردند که مقاومت قهرمانانه وی زیر شکنجه های وحشیانه دزخیمانی همچون عبدالرضا مصری در زندان دیزل آباد کرمانشاه زبازند خاص و عام بود. رفیق عباس اگر چه در ۱۲ اسفند سال ۶۰ در ارتباط با فعالین چریکهای فدایی خلق در کرمانشاه دستگیر شده بود اما برغم همه شکنجه هایی که بازجویانش بر وی روا داشتند حتی حاضر نشد ارتباط خود با این تشکیلات و رفقایش را مورد تأیید قرار دهد. شدت شکنجه ها و اذیت و آزارهای این رفیق به حدی بود که به روایتی وزنش به حدود ۴۰ کیلو رسیده بود. اما برغم این که این امر حاصل شکنجه های وحشیانه ای بود که بر وی اعمال شده بود وی در زیر شکنجه لب به سخن نگشود و بازجویانش را با مقاومت قهرمانانه اش مایوس و سرافکنده نمود. مقاومتی که وی را به یکی از برجسته ترین رفقای مقاوم زندان دیزل آباد کرمانشاه در سال های ۶۰ و ۶۱ بدل نمود.

رفیق عباس کرمی در خانواده ای کارگری چشم بر جهان گشوده بود و از همان کودکی طعم فقر و فلاکت را چشیده و محرومیت را تجربه کرده بود. او که در محله فقیر نشین "آرامگاه کرماشان" زندگی می کرد از نزدیک شاهد شرایط دردناک زندگی زحمتکشانی بود که گاه برای فرار از درد و رنج زندگی به اعتیاد پناه می بردند. اما عباس که رفیقی آگاه بود و دردها و رنج های کارگران و چگونگی رهایی از آنها، مسیر زندگی اش را شکل داده بود، می دانست که عامل اصلی همه این رنج ها سلطه مناسبات گنبدیده سرمایه داری است که در ایران تا مغز استخوان وابسته است به امپریالیست های جهانخوار.

رفیق عباس کمونیستی پیگیر بود که همچون دیگر یاران اش در کرمانشاه بر این باور بود که رهایی کارگران و ستمدیدگان و رسیدن آنها به آزادی و رفاه تنها و تنها از مسیر سرنگونی جمهوری اسلامی و سلطه اربابان

امپریالیستش یعنی نابودی نظام سرمایه داری وابسته می گذرد. مشاهده زندگی مملو از درد و رنج و محرومیت زحمتکشان و تلفیق آن با آگاهی سیاسی این رفیق مبارز باعث شد که رفیق عباس در این مسیر به چریکهای فدایی خلق ایران بپیوندد و تمام انرژی مبارزاتی خود را در خدمت این تشکیلات قرار دهد. او بخوبی می دانست که آزادی کارگران و خلق های تحت ستم از شر تمامی مناسبات استثمارگرانه نظام سرمایه داری حاکم بر ایران و رژیم نگهبان آن یعنی جمهوری اسلامی تنها در بستر مبارزه مسلحانه توده ای و طولانی امکان پذیر می باشد و در نتیجه در طول زندگی کوتاه و پر بارش تمام انرژی خود را در این مسیر به کار انداخت. سرانجام رفیق عباس در تداوم راهی که برای تحقق اش جنگیده بود، اسیر جلادان حاکم شد و در اسارت نیز با مقاومت اش در زیر شکنجه ایمان اش به درستی آن را در مقابل چشم همگان به نمایش گذاشت.

**یاد رفیق عباس کرمی گرامی و راهش پر رهرو باد!**